

مروری بر جایگاه علمی آیت‌الله شبیری زنجانی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام هادی عجمی

آیت‌الله شبیری زنجانی؛ الگوی فقه پژوهان و مربی بزرگ

حضور و استفاده داشتند، به تعبیر حجت‌الاسلام قرائتی که می‌فرمایند سخن باید به‌گونه‌ای مطرح شود که «خواص بپسندند و عوام بفهمند» – گرچه در متون فقهی استدلالی عمومیت به معنای عرفی آن مصداق ندارد – اما در این درس، طلابی که سطح علمی مناسبی داشتند به‌درک کاملی از بحث دست می‌یافتند و همزمان، خواص و اساتید سطوح عالی که در پای درس حضور می‌یافتند، از عمق و پختگی کلام کاملاً سیراب می‌شدند و آن را می‌پسندیدند، شخصیتی که فضایی تراز اول و حتی سایر فقه‌های حوزه علمیه قم، خود در درس ایشان زانوئی تلمذ می‌زدند.

■ بازخوانی جامع معظم‌له به‌منابه مدل موفق پژوهشگر در فقه‌اهل بیت(ع)

مجموعه‌این ویژگی‌ها نشان‌دهنده‌حق‌سترگی است که معظم‌له بر دوش حوزه‌های علمیه دارند؛ حوزه‌های علمیه در نگاهی کلان و مشخّصراً حوزه علمیه قم در نگاهی خاص، در مباحث فقهی و این دانش شریف که معرف معارف ناب اهل بیت(ع) است، خود را وام‌دار حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی می‌دانند. ایشان با اراده‌ای پولادین، مسیر فقا‌هت را برگزیدند و شبانه‌روز عمر خویش را صرف این علم شریف کردند. این سلوک، سرمشق‌ی ماندگار برای تمامی دانش پژوهان، فضلا و دانشگاهیان است تا از پراکنده‌کاری و اشتغال همزمان به شاخه‌های متعدد علمی بپرهیزند و با پرهیز از تشتت، توان خود را در یک نقطه ویژه کانالیزه کنند؛ چرا که تمرکز و ممارست مداوم، ثمرات فراوان و تر و رضایت‌روخی بیشتری را در مسیر بالندگی به همراه خواهد داشت، برخلاف الگوه‌ای رایجی که فرد مدارج مختلف یا امور تدریس خود را در رشته‌های ناهمگون و نامرتبط سپری می‌کند و در نهایت نیز به تخصص لازم نائل نمی‌گردد.

بنابراین، سلوک علمی ایشان الگویی کاملاً قابل پژوهش و بهره‌برداری است و تأکید بر اینکه رویکرد حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی؛ الگوی جامع فقه پژوهان است بر پایه واقعیت‌های ملموس بناشده است؛ تمرکز در خدمت‌گیری علم‌اصول برای انضباط وقت و تمحض علمی و در نهایت، سرمایه‌گذاری ویژه برای پرورش شاگردان تراز اول، روش آموزش و فراگیری (تدریس و تدرّس) ایشان باید از زاویه یک پرونده و الگوی موفق پژوهش فقهی مورد مذاقه قرار گیرد؛ روشی که در آن صرفِ تعلیم یک سری مفاهیم و اصطلاحات اصالت نداشت، بلکه تربیت استدلالی و بارور ساختن ذهن شاگردان وجهه همت بود و برای این کار، اوقاتی خارج از ضوابط و ساعت‌های متداول درسی اختصاص می‌یافت. در عین حال، سیره ایشان در ساحت خانواده و ایجاد بستر باز برای رشد و استقلال فرزندان در حوزه‌های متنوع علمی و حرفه‌ای، بدون تحمیل انحصاری خواسته‌ها یا محدود کردن آنان، نشان از وسعت دید و توازن در شخصیت ایشان داشت. بدون تردید، می‌توان شخصیت این استاد فقید را به‌عنوان یک مدل جامع و الگویی شاخص در پژوهش، استنباط و تدریس فقهی به جامعه علمی معرفی کرد.



سایر ایام سال، افزون بر دروس عمومی و رسمی، نشست‌ها و محافلی تخصصی را با شاگردان خاص و حلقه‌اول خویش برگزار می‌کردند. ساختار این نشست‌ها بسیار صمیمی، دایره‌ای و دوستانه بود؛ چای میل می‌شد، احوال پرس‌ی و مراده صورت می‌گرفت و سپس بحث‌ها به‌صورت کاملاً پویا و زنجیره‌وار آغاز و پستاد داده می‌شد.

جالب اینجاست که بسیاری از شاگردان، بهره علمی و معرفتی خود از این جلسات غیررسمی را شاید فراتر از دستاوردهای کلاس‌های عمومی می‌دانستند؛ چرا که در آن جمع‌ها باب پرسش و پاسخ بی‌واسطه و طرح مستقیم دیدگاه‌ها و مباحث دقیق فقهی گشوده بود. نشست‌ها چارچوب محدود و محصور‌ی نداشت و هر کس می‌توانست هر پرسش فقهی و علمی را که مدنظر دارد به اشتراک بگذارد و در تعاملی زنده، مسائل مطرح و به‌پاسخ‌های محققانه منتهی شود. این رویکرد، گواه روشنی بر توجه عمیق ایشان به کادرسازی و پرورش علمی نخبگان بود؛ تا جایی که بسیاری از اساتید کنونی سطوح عالی حوزه علمیه قم و حوزه‌های سراسر کشور، از زمره شاگردان خاص ایشان محسوب می‌شوند.

امثال بنده نیز که توفیق شرکت در جلسات عمومی درس ایشان را داشتیم و خداوند این توفیق را عنایت فرمود که طی یک یا دو سال از دور با محضرشان آشنا شویم، غنا و عمق کم‌نظیر مباحث ایشان را به‌عینه لمس می‌کردیم. یکی از توانمندی‌ها و مهارت‌های برجسته تدریس ایشان این بود که کلاس به‌گونه‌ای هدایت می‌شد که طلاب با سطوح مختلف تحصیلی امکان

محترم ایشان از متخصصان بسیار برجسته حوزه پزشکی بانوان و از پزشکان شاخص شهر قم در این رشته به شمار می‌روند. حاصل ازدواج ایشان ۱۲ فرزند (۶ پسر و ۶ دختر) است. از میان پسران ایشان، پنج نفر با الگوبرداری از مسیر علمی پدر و جدشان، به سوی روحانیت گام نهادند. از جمله فرزندان ایشان می‌توان به حجج اسلام سیدمحمد شبیری زنجانی و سید محمدجواد (از فضلا و مدرسان حوزه قم)، سیدعلی (مدیر مؤسسه فرهنگی یاسین)، سیدحسن (مدیر مؤسسه رای‌پرداز) و سیدا احمد اشاره کرد. همچنین فرزند دیگر ایشان، مهندس و از افراد متدین و مقید به آداب شرعی است. دختران ایشان نیز از تحصیلات عالی برخوردارند و پزشک بسیار ماهر و متخصصی هستند. این مسئله نشان‌دهنده آن است که ایشان بستر را برای شکوفایی استعداد‌های فرزندان خود در هر رشته‌ای فراهم می‌کردند و فرزندان‌شان نیز در هر حوزه‌ای که قدم نهادند، به جایگاه برتر دست یافتند. عدم الزام فرزندان به ورود انحصاری به حیطه علوم حوزوی و فقهی، حاکی از وسعت‌نظر و روشن‌بینی ایشان و باور عملی‌شان به این اصل بود که استعداد‌های افراد گوناگون است و هر کس باید در راستای استعداد ویژه خود به رشد و بالندگی برسد.

■ روش شاگردپروری، جلسات صمیمی حلقه اول و اعتلای علمی حوزویان

یکی دیگر از برجستگی‌های بارز معظم‌له، اهتمام عملی به «شاگردپروری» بود. ایشان چه در ماه مبارک رمضان و چه در

دار و آن اینکه ایشان دست فرزندان خویش را در انتخاب مسیر رشد کاملاً باز گذاشتند؛ هرگز این‌گونه نبود که چون خود در یک حوزه به اوج پیشرفت دست یافته‌اند، بر فرزندان فشار بیاورند یا مانع فعالیت آنان در سایر زمینه‌ها شوند. این موضوع نیز نشان از یک سیره الگویی دارد و ما حقیقتاً می‌توانیم وجود مبارک این استاد برجسته را به‌عنوان یک الگوی شاخص برای تحقیق و پژوهش‌های فقهی مورد‌اهتمام قرار دهیم.

■ ولایت‌مداری، ارادت به رهبر شهید انقلاب و سیره باز در تربیت فرزندان

محور دیگر در ابعاد شخصیتی ایشان، مقوله ولایت‌مداری بود؛ ولایت‌مداری عمیقی که ریشه در محبت ویژه ایشان نسبت به رهبر شهیدانقلاب داشت. خود رهبر شهیدانقلاب نیز در دیداری که با معظم‌له داشتند، بر این مسئله تصریح فرمودند و بیان داشتند که فرزندانم را دعوت و سفارش می‌کنم تا حتماً از محضر علمی شما بهره‌مند شوند. زمانی که شخصیتی در تراز فقا‌هت و جایگاه مرجعیت، فرزندان خود را – چه در سال‌های دور و دوران جوانی فرزندان و چه در سال‌های اخیر – به شاگردی و استفاده از محضر حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی در قم ترغیب می‌کنند، نشان از مرتبه علمی فوق‌العاده والای ایشان دارد. نکته دیگری که در زیست خانوادگی ایشان بسیار جالب توجه است، این بود که با وجود برخورداری از جایگاه رفیع فقا‌هت، در سیره تربیتی خود اجازه می‌دادند تا فرزندان بر اساس خواست و تمایل خویش مسیر‌شان را برگزینند. برای نمونه، دختر

ریحانه عامل نیکا به مناسبت ارتحال مرجع عالی قدر جهان تشیع و فقیه‌اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدموسی شبیری زنجانی (رضوان‌الله علیه)، در گفت‌وگویی تفصیلی با یکی از شاگردان ایشان، حجت‌الاسلام هادی عجمی، استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان و دبیر حلقه فقه‌نظام خانواده مدرسه عالی فقا‌هت عالم آل محمد(ع) به بررسی روش تدریس و ویژگی‌های شخصیتی این فقیه نامدار پرداخته‌ایم. متن پیش‌رو حاصل این هم‌کلامی و تبیین جایگاه کم‌نظیر آیت‌الله شبیری زنجانی در حوزه‌های علمیه است.

■ حق عظیم بر حوزه‌های علمیه و ضرورت الگوگیری از «تمحض و تمرکز علمی»

حوزه‌های علمیه در معنای کلی آن و به‌طور خاص حوزه علمیه قم، در علم فقه – که علم اهل بیت (ع) است – به‌واقع وام‌دار و مدیون حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی هستند. ایشان یک مسیر واحد را برگزیدند که همانا «فقه» بود و تمام وقت و توان خویش را صرف این مسئله کردند. این شیوه، الگویی بسیار ارزشمند برای طلاب، دانشجویان و تمامی افرادی است که فضای علمی را برای زیست خود انتخاب کرده‌اند؛ الگویی مبنی بر اینکه از تشتت فکری دوری جویند و از پرداختن همزمان به علوم متعدد بپرهیزند و در یک حوزه متمرکز شوند. هنگامی که پژوهشگر روی یک نقطه متمرکز می‌شود، پیشرفت و دانش او ثمربخش‌تر خواهد شد و خودش نیز از این رشد علمی حظ و لذت بیشتری خواهد برد. برخلاف کسانی که برای نمونه، کارشناسی را در یک رشته، کارشناسی ارشد را در رشته‌ای دیگر می‌گذرانند و موضوع تدریسشان نیز امری متفاوت و گاه نامرتبط با این دو است؛ این قبیل افراد غالباً به مقام تخصص دست نمی‌یابند. فرد زمانی به تخصص حقیقی می‌رسد که تمرکز کامل و تمحض پیدا کند و در یک قلمرو خاص عمیق شود.

معظم‌له در این زمینه الگویی کاملاً شایسته مطالعه و تدقیق هستند. اگر بخواهم محور سخن خود را در یک عنوان خلاصه کنم، باید بگویم: حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی؛ الگوی فقه پژوهان. ایشان در دو یا سه مسئله اصلی متمرکز بودند؛ از جمله توجه به اصول فقه را صرفاً در حد ابزاری برای خدمت به فقه و کاربرد در استنباط فقهی قرار دادند، تمرکز زمانی و پژوهشی کامل داشتند و در نهایت اهتمام ویژه‌ای به پرورش شاگردوزرینند. همچنین شیوه تدریس و تدرّس حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی یقیناً باید به‌عنوان یک الگوی موفق، هم در مقام شاگردی و سیر تکاملی خود ایشان (تدرّس) و هم در جایگاه استادی و شاگردپروری (تدریس)، مورد بازخوانی و واکاوی قرار گیرد؛ چرا که هدف ایشان صرفاً القای دسته‌ای از مفاهیم تئوریک نبود، بلکه پرورش واقعی طلاب را مدنظر داشتند و به همین منظور، افزون بر ساعات دروس رسمی، زمان‌های دیگری را نیز به این امر مهم اختصاص می‌دادند. در این میان، یک نکته جانبی نیز وجود

گزارش

محمد ولایی | آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی، شامگاه یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۵، پس از ۹۹ سال زندگی و ۹۰ سال فعالیت علمی درگذشت تا حوزه‌های علمیه یکی از فقیهان برجسته خود را از دست بدهد. او یکی از آخرین حلقه‌های زنجیره ارتباط مستقیم حوزه امروز با بزرگان قرن اخیر حوزه‌های علمیه بود.

■ پای درس بزرگان قم و نجف

سیدموسی دهم اسفند ۱۳۰۶ در قم به دنیا آمد. پدرش، آیت‌الله سیداحمد زنجانی، از فقه‌ای شناخته‌شده و علمای اخلاقی حوزه قم بود؛ مردی که در کنار دانش فقه، به دقت علمی، نظم، زهد و توجه به مسائل اجتماعی دین شهرت داشت و نماز جماعت حرم حضرت معصومه(س) را اقامه می‌کرد.

سیدموسی تحصیل حوزوی خود را در همان سال‌های کودکی و تحت تربیت پدر آغاز کرد و از جوانی وارد فضای علمی حوزه شد. دروس سطح را در سه سال به پایان برد و در درس سید صدراالدین صدر که حاضر شد، کم‌سن و سال‌ترین شاگرد خارش بود. در ۲۵سالگی عزم نجف کرد تا در درس‌های سیدعبداله‌ادی شیرازی و سیدمحسن حکیم شرکت کند و پای درس فقه و اصول سیدابوالقاسم خویی حاضر شود. در بازگشت به قم، درس خارج فقه و خارج اصول آیت‌الله بروجردی را درک کرد و به همراه امام موسی صدر و سیدمحمد بهشتی پای درس خارج فقه سیدمحمد محقق داماد نشست. امام موسی صدر نخستین هم‌مباحث طلبگی و یکی از عوامل علاقه‌مندی‌اش به دروس حوزی بود. بخش مهمی از شخصیت علمی او نیز پای درس برجسته‌ترین استادان حوزه و رفت و آمد میان مکتب‌های مختلف فقهی و اصولی شکل گرفت.

■ در مقام استادی

سیدموسی شبیری زنجانی در دهه سوم زندگی‌اش از استادان دروس عالی قم و مدرسه حقانی بود. تدریس خارج فقه را هم در ۴۰سالگی و در زمان حیات استادش سیدمحمد محقق داماد آغاز کرد که یک دوره آن ۱۵سال به طول انجامید. درس او از معتبرترین دروس حوزه علمیه قم بود. او با بهره‌گیری از ویژگی‌های دروس برجسته خود و افزودن ابتکارات دیگر، روش تدریس خود را سامان داد. نظرات فقه‌ها و به‌ویژه قدا را در مسائل اصلی فقه به‌صورت مستقیم نقل می‌کرد و از نقل قول دیگران پرهیز داشت. بر رجوع مستقیم به منابع اصلی اصرار داشت و از تسامح و بی‌دقتی می‌پرهیزید.

در هر مسئله فقهی به تمام کتب استدلالی فقه‌ها مراجعه می‌کرد تا علاوه بر اصل مسئله، فضای فکری فقیه نیز به درستی درک شود و در لابه‌لای کلمات آنان نکاتی یافت شود که به فهم دقیق‌تر نظرات آن‌ها کمک کند. این رویکرد را در نقل روایت‌ها نیز داشت و به یک جمله از روایت اکتفا نمی‌کرد. روایت باید به‌طور کامل بررسی می‌شد و به فقه‌الحديث و دقت

به بهانه رحلت آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی

مرجعی که حافظه حوزه بود

اینکه در سال ۱۳۷۳ رسماً در فهرست هفت‌نفره مراجع تقلید جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قرار گرفت؛ ولی باز هم ترجیح داد روند عادی تدریس و تحقیق را ادامه دهد. رساله علمیه و حتی زندگی‌نامه و معرفی او به‌عنوان مرجع، سال‌ها بعد به انتشار رسید.

■ در حاشیه مبارزه

حضور سیاسی آیت‌الله شبیری زنجانی به سال‌های پیش از انقلاب و حمایت از نهضت امام خمینی(ره) بازمی‌گردد؛ در دورانی که بسیاری از روحانیون سنتی حوزه، سیاست را عرصه‌ای پرهزینه و پرمخاطره می‌دانستند. این حمایت نه از جنس شعار، بلکه به‌صورت تعطیل کردن دروس حوزوی، اقامه نماز جماعت و امضای اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی بود که از سوی علما و فضایی حوزه علمیه قم صادر می‌شد. حضور او در بازگشایی مدرسه فقیهیه در ۱۲ فروردین ۱۳۵۷ نیز نشان از آن داشت که این فقیه جوان در متن تحولات حوزه قرار دارد.

او اگرچه در بطن مبارزه و شبکه‌های ارتباطی مبارزان قرار نداشت، ولی به واسطه خاستگاه خانوادگی و ارتباطاتش همواره در حاشیه مهم‌ترین وقایع سیاسی و مبارزاتی حرکت می‌کرد؛ پدرش هم‌بحث و رفیق امام خمینی(ره) بود، برادرش هم‌بحث و هم‌حجره‌ای رهبر شهید حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای و همچنین استاد حجت‌الاسلام سیدمصطفی و حجت‌الاسلام سیدمجتبی خامنه‌ای بود. این مرجع عالیقدر درباره امام(ره) گفته است: آقای خمینی دل قوی داشت و در شجاعت جزو نوادر قرون و در این جهت مشابه مرحوم مدرس بود. انسان‌های شجاع طرز فکرشان با انسان‌های معمولی متفاوت است، ازاین‌رو فکر انقلاب در دیگران وجود نداشت.

■ در حاشیه سیاست

او پس از انقلاب نیز گرچه در ساختارهای رسمی قدرت حضور نیافت، ولی همواره نقش حمایتی خود را ایفا می‌کرد. در همه انتخابات شرکت می‌کرد، ولی هرگز از هیچ نامزدی علناً حمایت نمی‌کرد تا انرژی مرجعیت صرف حمایت‌های جناحی نشود. او ایران را «تنها کشوری که پرچم تشیع را به عنوان مذهب رسمی کشور برافراشته نگه داشته» می‌دانست و از این منظر، خدمت به این کشور را وظیفه‌ای دینی می‌شمرد. در آخرین ماه‌های حیات و در دیدارش با رئیس‌جمهور، ایستادگی ملت ایران در برابر تهدیدها و تجاوزهای اخیر را

